

Sunday, August 04, 2019  
9:30 AM

## تعارض‌های فقه و سکولاریسم

فاطمه احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

سکولاریسم یکی از مهم‌ترین پدیده‌های غرب است و معمولاً در تقابل با دین مطرح می‌شود. در رویکرد فقهی به دین روابط محکمی بین فقه و دین وجود دارد، این در حالی است که در تفکر سکولاری ارتباط مسائل اجتماعی با دین حذف می‌شود که این نشان از وجود تعارضاتی میان آنها است. در سیر پیشرفت این مقاله ابتدا به بررسی الفاظی همچون فقه و سکولاریسم پرداخته می‌شود تا اجمالاً با آنها آشنا شده و پس از آن مبانی سکولاریسم و اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت اختلافات و تعارضات میان فقه و سکولاریسم بیان خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** اسلام، سکولاریسم، فقه، تعارضات فقه و سکولاریسم.

---

۱. کارشناسی ارشد فقه و معارف (گرایش کلام اسلامی) مدرسه عالی خواهران

## مقدمه

حضور دین در زندگی بشر همواره وجود داشته و آدمی روزی را بدون آن سپری نکرده است. تأثیر دین در تنظیم روابط زندگی در جوامعی که ادیان الهی بر آن حاکم بوده است امری نیست که مورد تردید کسی باشد. از طرفی با گسترش روز افزون تفکر سکولاریسم و نفوذ آن در جوامع دینی همه شئون زندگی بشر بیم آن می‌رود که دین از عرصه زندگی بشر به مرور زمان حذف شود. از سوی دیگر بحث فقه و فقیه به‌طور مستقیم با دین در ارتباط است و مشاهده می‌شود که رویکرد فقهی به دین با بحث سکولاریسم تناقضات و تعارضاتی دارد که باهم قابل جمع نیستند، لذا با بررسی معنایی فقه و سکولاریسم، مبانی هر کدام و تعارضات آنها امید آن می‌رود که در حد توان از رسوخ هر چه بیشتر این تفکر در جامعه و خدشه بر بدنه جامعه دینی جلوگیری کرد.

## ۱. کلیات و مفاهیم

### بیان مسئله

سکولاریسم مکتبی فکری است که حضور دین در ابعاد مختلف زندگی بشر را نفی می‌کند و با رویکرد فقهی به دین که حضور دین اسلام را در همه جوانب زندگی بشر ضروری می‌داند در تعارض کامل است، لذا نمی‌تواند در جوامع مذهبی جایگاهی داشته باشد و گسترش روز افزون آن این جوامع را با مخاطره روبه‌رو ساخته است، لذا به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های آن باید تعارضاتش را با دین بررسی کرد و به این پرسش‌ها پاسخ گفت که ناهمخوانی‌های مبنایی و ساختاری سکولاریسم با رویکردی فقهی به دین چیست؟

در دوران معاصر، تفکر جدیدی به نام سکولاریسم به وجود آمده و رواج یافته که این تفکر نقطه مقابل تفکر فقیه و مبحث فقه است، چراکه فقه با همه معارف دین و دستورات اسلامی ارتباط دارد و تفکر سکولاریسم این ارتباط را ندارد. این تفکر در حال حاضر رو به گسترش است و باید از رواج هر چه بیشتر آن جلوگیری کرد و معتقدین این تفکر را با تعارضاتی که بین این دو مسئله وجود دارد آشنا کرد. در این مقاله سعی می‌شود باهدف بیان اینکه چه تعارضاتی بین رویکرد فقهی به دین با سکولاریسم وجود دارد و جلوگیری از گسترش هرچه بیشتر آن گامی برداشت.

## پیشینه

در میان کتب و مقالات کتاب یا مقاله‌ای که به‌طور خاص به این عنوان پرداخته باشد وجود ندارد، اما مقالات و کتبی در زمینه سکولاریسم و اسلام به‌طور جداگانه وجود دارد مانند:

- مقاله اسلام و سکولاریسم در شماره هفتم مجله دانش پژوهان؛

- کتاب سنت و سکولاریسم از سروش عبدالکریم؛

- کتاب تأملاتی در باب دین و اندیشه از محمد عابد الجابری ترجمه محمدتقی کرمی.

روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی تحلیلی است تا بدین‌وسیله بتوان به نتایج مورد نظر رسید. در این تحقیق از مقالات، فصلنامه‌ها، برخی سایت‌ها و برخی کتب مرتبط با موضوع استفاده شده است و بدین پرسش‌ها پاسخ گفته شده است:

- فقه در دیدگاه اسلام چه تعریفی دارد؟

- معنای سکولاریسم از دید اسلام‌گرایان چیست؟

- چه تعارضاتی به لحاظ ساختاری و مبنایی بین رویکرد فقهی به دین با سکولاریسم وجود دارد؟

پیشرفت ما در این تحقیق با این پیش‌فرض است که فقه به معنای علم به احکام شرعی که با اجتهاد از ادله تفصیلی گرفته می‌شود، است و سکولاریسم مکتبی است که مروج حذف یا بی‌اعتنایی یا به حاشیه راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی است و از طرفی در بررسی ارتباط رویکرد فقهی به دین با سکولاریسم برخی تعارضات مبنایی وجود دارد که از جمله آنها عبارت‌اند از اینکه مبنای فقه و رویکرد فقهی به دین کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ می‌باشد.

این در حالی است که مبنای سکولاریسم مواردی همچون علم‌گرایی و عقل‌گرایی است که در اعتقاد به آنها در این تفکر افراط شده است که این خود با رویکرد فقهی به دین در تعارض است. از طرفی این دو رویکرد به لحاظ ساختاری نیز با هم در تعارض هستند چرا که ساختار رویکرد فقهی به دین به لحاظ منبع از این قرار است کتاب، سنت، عقل و اجماع، ولی منابع مورد استناد در رویکرد سکولاریسم دموکراسی، سرمایه‌داران بزرگ، سیاستمداران و... است که از درجه اعتبار بسیار پایین‌تری نسبت به منابع فقهی برخوردار هستند، بلکه با هم در تعارض نیز هستند.

### فقه

فقه در لغت عبارت است از فهمیدن مقصود گوینده از گفتار او. چنان که در این آیه می‌بینیم: ﴿وَأَحْلَلْ عَقْدَةَ مَنْ لَسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾؛ و گره از زبانم بگشای تا گفتارم را بفهمند. (طه: ۲۸-۲۷)

و در این آیه: ﴿مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ﴾؛ بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم. (هود: ۹۱)

و در اصطلاح، علم به احکام شرعی است که با اجتهاد از ادله تفصیلی گرفته می‌شود.

### سکولاریسم

سکولاریسم (secularism) که برگرفته از لفظ سکولار (secular) است، در معانی و حیطه‌های مختلفی کاربرد دارد و همین امر موجب شده است که تعریف دقیق و جامعی نداشته باشد. شاید بتوان گفت سکولاریسم عبارت از گرایشی است که مروج حذف یا بی‌اعتنایی یا به حاشیه راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی است. سکولاریسم در این معنا یکی از ویژگی‌های تمدنی دوره‌های جدید بوده و از مؤلفه‌های مدرنیته غربی است. (بیات، ۱۳۸۱: ۲۳۸)

طرفداران ایدئولوژی سکولاریسم، آگاهانه و با اراده خود، سعی دارند همه اشکال اعتقاد به امور ماورای طبیعی را طرد نموده و از اصول غیر دینی و بلکه ضد دینی به عنوان اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی حمایت کنند. به اعتقاد برخی از سکولارها انسان نه تنها می‌تواند مستقل از دین شئون زندگی این جهانی خود را تدبیر کند، بلکه بر مبنای ملاحظات فلسفی باید دست به چنین کاری بزند.

از نکته‌های جالب توجه در تعریف این واژه، نظریه اخلاقی دانستن آن است. سکولاریسم در فرهنگ آکسفورد، نظریه‌ای اخلاقی قلمداد شده و در تعریف آن گفته شده است سکولاریسم نظریه‌ای است درباره اینکه اخلاق صرفاً باید بر اموری مبتنی باشد که با سعادت انسان در حیات دنیوی مرتبط بوده و در این باره، همه ملاحظات اعتقادی، همچون اعتقاد به خدا و جهان آخرت کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر سکولاریسم فلسفه‌ای درباره زندگی است و نه نظریه‌ای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی درباره حقایق عالم. (سرخشی، ۱۳۹۰: ۵۳)

## ۲. مبانی سکولاریسم

### الف) تئوری الهی حکومت

در سده‌های متمادی، حاکمیت کلیسا و نفوذ آن بر قطب حکومت، کلیسا مدعی تفویض حکومت الهی به خود بود و کسی که از حاکمیت کلیسا تبعیت نمی‌کرد، در آموزه دینی کلیسا وی در حقیقت از حکومت الهی استنکاف می‌نمود.

کلیسا از این رو معتقد بود که مشروعیت حکومت سلاطین باید توسط آنان به حاکمان و سلاطین تفویض و اعطا شود، لذا نقش کلیسا در این میان، برتر از حاکم خواهد بود. کلیسا از این مینا استفاده کرد و در طول قرون وسطی به اعمال برتری خود بر قطب حکومت پرداخت.

در این دیدگاه کلیسا، به حقوق مردم و حق انتخاب آنان هیچ توجهی نشده بود؛ به دیگر سخن، کلیسا از یک ملازمه پیش‌ساخته خود دفاع می‌کرد که بر مبنای آن اعتقاد به دین و خدا با پذیرفتن حاکمیت مطلق کلیسا و انکار حقوق مردم ملازم است. استاد شهید در این باره می‌نویسد:

ارباب کلیسا و همچنین برخی فیلسوفان اروپایی، نوعی پیوند تصنعی میان اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حقوق سیاسی و تثبیت حکومت‌های استبدادی از طرف دیگر، برقرار کردند. طبعاً نوعی ارتباط مثبت میان دموکراسی و حکومت مردم بر مردم و بی‌خدایی فرض شد. چنین فرض شد که یا باید خدا را بپذیریم و حق حکومت را از طرف او تفویض شده به افراد معینی که هیچ نوع امتیاز روشنی ندارند، تلقی کنیم و یا خدا را نفی کنیم تا بتوانیم خود را ذی‌حق بدانیم... کلیسا یا طرفداران کلیسا و یا با اتکا به افکار کلیسا، این فکر عرضه شد که مردم در زمینه حکومت، فقط تکلیف و وظیفه‌دارند نه حق؛ همین کافی بود که تشنگان آزادی و دموکراسی و حکومت را ضد کلیسا، بلکه ضد دین و خدا به‌طور کلی برانگیزد. (مطهری، ۱۳۶۲: ۹۴)

### ب) حقوق طبیعی و گذر از تکلیف به حق

در توضیح مبنای پیشین گفته شد که تئوری الهی حکومت مورد ادعای کلیسا، به‌صورت مطلق حقوق و نقش مردم را نادیده انگاشته بود که موجب دوری مردم و روشنفکران مسیحی از کلیسا به‌عنوان نماد و مظهر دین مسیحیت شد.

در برابر نظریه فوق، واکنش افراطی از سوی مردم به‌خصوص روشنفکران مسیحی بروز کرد که بر اساس آن، با طرح نظریه حقوق طبیعی، این بار حقوق دین و خداوند نادیده انگاشته شد. مدعیان حقوق طبیعی، تنها از حقوق و منافع مردم، آن‌هم منافع مادی و دنیوی سخن می‌رانند و منکر حقوق الهی و تکالیف دین برای مردم هستند و

پروسه «گذر از تکلیف به حق» را مطرح می‌کنند. به دیگر سخن، با طرح نظریه «حقوق طبیعی»، مشروعیت الهی حکومت و به تعبیری «مشروعیت از بالا» جای خود را به مشروعیت مردمی و دموکراسی داد که رهاورد آن انکار هر گونه نقش دین در حقوق طبیعی از قبیل آزادی، تعیین حکومت و حاکم شد.

جان لاک از مبتکران نظریه حقوق طبیعی است که تأثیر عمده‌ای در تصویب قوانین بعدی از جمله اعلام استقلال قانون اساسی آمریکا داشت. (کین، ۱۳۷۳: ۱۱۳)

### ج) علم‌گرایی (ساینسیسم)

خاستگاه و یکی از مبانی مهم نظری سکولاریسم، رشد و بالندگی علوم تجربی در دوره رنسانس بود که با کشف و شناخت نوع روابط پدیده‌های جهان توسط علم، برخی انگاره‌های مسیحی و دینی مورد تردید و انکار قرار گرفت. (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۹)

در چگونگی تأثیر علم‌گرایی در سکولاریسم مسیحیت، سه مرحله ذیل قابل تأمل است:

#### ۱. ناسازگاری با برخی از آموزه‌های مسیحی

آبای کلیسا با جمود به ظاهر کتاب مقدس، همچنین تقدیس و دینی خواندن فلسفه و علوم روم باستان (ارسطو) بعضی اصول و قواعد طبیعی و علمی را به عنوان اصل مسلم و جزو مسلمات دینی خود تلقی کرده بود. گردونه علم با تحول خود، خط بطلان بر آن کشید. مثال بارز آن حرکت خورشید بر دور زمین بود که انگاره دینی کلیسا بود و گالیله خلاف آن را ثابت کرد. واکنش کلیسا در برابر این کشفیات و ابتکارات عالمان تجربی منفی بود، به گونه‌ای که کلیسا با نامقدس خواندن علوم خارج از کلیسا و تکفیر دانشوران، آنان را در دادگاه‌های تفتیش عقاید محکوم و به کیفر می‌رساند.

این واکنش کلیسا موجب شد که این تلقی نزد دانشمندان و مردم ظهور کند که دین با علم سرسازگاری ندارد و برای علم هم که شده، باید از دیانت دست کشید. (باربور: ۴۳)

#### ۲. نفی حاکمیت خدا

در انگاره‌های سنتی ادیان، این آموزه رایج بود که همه امور و پدیده‌های زمینی، مستقیماً توسط خداوند انجام می‌گیرد، اما علم جدید خلاف آن را ثابت کرد. علم برای هر پدیده مادی یک علت مادی جستجو و تبیین می‌کرد و به نوعی دخالت خداوند در پدیده‌های مادی را برنمی‌تابید. (همان: ۷۲)

رویکرد فوق، حذف حاکمیت و تدبیر خداوند بر عالم را به تصویر می‌کشاند که موجب سلب اعتماد و ایمان مردم به آموزه‌های فرا طبیعی مانند اعجاز، مشیت الهی، تأثیر و توکل شد. (همان: ۴۹)

## ۳. نفی مابعدالطبیعه

مرحله سوم علم‌گرایی، جمود دانشمندان تجربی بر انحصار هستی بر تجربیات و امور مادی بود که لازمه آن انکار عالم مابعدالطبیعه؛ از جمله وجود خداوند، فرشته، بهشت، وحی و امداد غیبی است. (همان: ۷۸)

با توجه به این پیامدهای منفی علم است که واژگان معادل سکولاریسم در زبان عرب «علمانیت» مأخوذ از علم به کار برده شد و برخی نیز آن را به معنای علمی‌بودن یا علمی‌شدن، دقیق‌ترین ترجمه سکولاریسم ذکر می‌کنند. (سروش: ۶)

## د) عقل‌گرایی

عقل‌گرایی (راسیونالیسم) چالش مسیحیت، به علم و قلمرو تجربی اختصاص نداشت، بلکه مسیحیت به دلیل اشتغال بر آموزه‌های ناسازگار با عقل، در برابر عقل و مدعیان عقلانیت فرار گرفت، اینجا می‌توان به آموزه‌های «تثلیث»، «تجسد»، «گناه نخستین»، «مسئله خدا»، «فروش آموزش‌نامه»، «قداست و عصمت کلیسا و پاپ»، «تناقض‌های کتاب مقدس» و حمایت معنوی از حاکمان جور و مشروعیت‌بخشی به حکومت آنها، اشاره کرد. لوتر به مخالفت با فروش آموزش‌نامه برخاست و با نقد تفسیر آبابی کلیسا از کتاب مقدس و انکار برتری و عصمت پاپ، در تضعیف کلیسا قدمی بزرگ را برداشت.

طیف دیگر از عقل‌گرایان، دئیسم، یعنی خداپرستان طبیعی بودند که اعتقاد داشتند انسان که با تکیه بر عقل، قادر بر شناخت خداوند است و به بعثت پیامبران نیازی نیست. (باربور: ۷۶)

دئیست‌ها برای تضعیف بیشتر دین آسمانی، به کاستی‌ها و تناقض‌های کتاب مقدس متمسک می‌شدند. (همان: ۷۷)

عقل‌گرایی ادعای وسیعی داشت و به شناخت خدا اختصاص نداشت، بلکه طرفدار توانایی و کفایت عقل و بی‌نیازی از دین در عرصه‌های مختلف مانند حکومت، سیاست و اقتصاد بودند. (همان: ۷۸)

عقل‌گرایان افراطی، راهبرد عقلی را برای شناخت و اثبات خداوند و عالم مجردات انکار کردند و مدعی شدند ایمان و تصدیق خداوند از آموزه‌های «عقل‌گریز» است و مبنای خداوند، باید تنها وجدان و اخلاق باشد. (همان: ۷۷)

## ۳. تعارضات مبنایی و ساختاری سکولاریسم با رویکرد فقهی به دین

با توجه به آنچه گذشت، حال با مقایسه ساختاری و مبنایی این تفکر با رویکرد فقهی به دین به وجود برخی تعارضات میان آنها پی خواهیم برد.



### الف) مبانی رویکرد فقهی به دین

شرع مطهر اسلام که حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیام آور آن از حضرت باری تعالی است، اساس آن قرآن کریم است که آن حضرت با اقوال و افعال و تقریرات خود آن را شرح و توضیح داده‌اند.

اغلب بیانات قرآنی احکام شرع را به اجمال بیان کرده است، مانند فرضیت نماز و زکات و حج و غیره و مانند تحریم فواحش و خوردن مردار و خون و گوشت خنزیر و غیره و کیفیت تفصیلی هر کدام در سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ و قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن‌سازی آنچه به آنان نازل شده و تا این که فکر و تأمل خود را بکار گیرند. (نحل: ۴۴)

بنابراین دو اصل اساسی برای قانونداری در اسلام، کتاب خدا و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۰)

با توجه به اینکه رویکرد فقهی به دین بر دو پایه کتاب خدا و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استوار است و تفکر سکولاریسم بر پایه‌هایی همچون اومانیزم، سنت‌گریزی و نوگرایی، علم‌محوری و ... استوار است. بررسی همان دو مبنای کتاب و سنت نشان می‌دهد که به وضوح با مبانی تفکر سکولاریسم در تعارض است.

### بررسی چند نمونه

در مورد اومانیزم که از آن تعبیر به انسان‌محوری می‌شود، در قرآن کریم آیاتی وجود دارد. آیاتی که از اومانیزم‌ها به «من اتخذ الهه هواه» یاد کرده و سه ویژگی برای آنها ذکر کرده است:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؛ آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (جاثیه: ۲۳)

بر اساس این آیه:

- اولاً خداوند گمراهشان ساخته است؛

- ثانیاً از پذیرش حق و فهم حقیقت ناتوانشان نموده است؛

- ثالثاً هدایتشان را غیرممکن کرده است.

همچنین خداوند در آیه بعد عقیده آنها را این‌طور بیان می‌کند:

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ. (جاثیه: ۲۴)

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زندگی می‌کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می‌کند. آنان را نسبت به آنچه می‌گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می‌زنند. آنها گفتند:

- چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آنها را می‌گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند!

- آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می‌زنند (و گمانی بی‌پایه دارند)!

- انکار معاد و دنیای فرا مادی و منحصر کردن حیات در همین دنیا عقیده آنان است. و جالب اشاره ظریف قرآن کریم است که می‌فرماید این عقایدشان هیچ پشتوانه علمی نداشته بر اساس گمان است.

- هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز اینکه می‌گویند: «اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده کنید) و بیاورید (تا گواهی دهند)!

واقعاً تطبیق این آیات نورانی بر تفکرات و عقاید اومانیستهای غربی امروز شگفت‌انگیز است... (حسین پور)

### ب) تعارض مفهومی عقل در فقه و سکولاریسم

عقل شریف‌ترین نیرو و یکی از دو حجتی است که خداوند برای هدایت بشر قرار داده است و در سعادت انسان نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کند و به همین دلیل در آیات و روایات از جایگاه والایی برخوردار است. قرآن کریم انسان‌ها را با بیان‌های مختلف به تفکر و خردورزی دعوت و بی‌اعتنایان به تعقل را شدیداً توبیخ و مذمت کرده، تا آنجا که افراد گریزان از اندیشه و تعقل را پست‌ترین جنبنندگان شمرده است، اما این بدان معنا نیست که عقل به تنهایی بتواند انسان را به سرمنزل مقصود و سعادت واقعی رهنمون سازد. سعادت انسان در گرو دینداری و دل سپردن به مکتب پیامبران است.

عقل‌گرایی افراطی مبتنی بر این اصل است که اندیشه آدمی معیار و میزان دین است و امری برتر از سطح درک و عقل انسان را باور ندارد، حال آنکه اولاً دین بخش‌های مختلفی دارد، از جمله امور عبادی و تعبدی که علت بسیاری از آنها بر عقل پوشیده است، مانند راز و جوب سی‌روز روزه یا چهار رکعت نماز در ظهر و دو رکعت در

صبح؛ ثانیاً، حتی تمامی بخش‌های اعتقادی بر عقل آشکار نیست، مانند آنچه در قیامت اتفاق می‌افتد و اثری که هر عملی در حیات اخروی دارد.

نمی‌توان توصیه قائلین به عقلانیت حداکثری را اجرا کرد و صدق یک نظام اعتقادات دینی خاص را چنان معلوم کرد که همه عقلا قانع شوند.

عقلانیت حداکثری فکر می‌کند که این کار شدنی است، آ در مقابل این تلقی، واقعیتی انکارناپذیر وجود دارد، علیرغم اینکه قائلین به عقلانیت حداکثری قرن‌ها با دیگران بحث کرده‌اند هیچ نظام اعتقادات دینی‌ای چنان اثبات نشده است که همه عقلا قانع شوند، بنابراین، آنچه قابل دفاع است، اولاً مدلل شدن نظام دینی برای خود شخص است، نه برای همه عقلا و ثانیاً مدلل شدن بخش‌هایی از دین است که بتواند موضوع تأملات عقلی قرار بگیرد و در چنگ عقل درآید. (مجله صباح، ۱۳۸۲)

در قرآن کریم ۴۹ بار از مشتقات عقل استفاده شده و همه این مشتقات به صورت فعل استعمال شده‌اند. بنابراین در قرآن مجید عقل به صورت اسم حتی مصدر وجود ندارد. استعمالات عقل در قرآن به این صورت است:

- تعقلون (۲۴ بار)؛

- یعقلون (۲۲ بار)؛

- (یعقلها) (یک بار)؛

- نعقل (یک بار)؛

- عقلوه (یک بار). (مبینی: hawzah.net)

با وجود همه این تأکیدات قرآن کریم به استفاده از عقل و تفکر با توجه به مطالب فوق استفاده افراطی از آن و استنباط و فهم مسائل دینی تنها با استفاده از عقل نفی می‌شود. با بررسی دو مورد از موارد مبانی سکولارها در قرآن و رد آنها سایر موارد نیز به صورت مشابه رد می‌شود.

### ج) تعارضات ساختاری

دو تفکر سکولاریسم و رویکرد فقهی به دین به لحاظ ساختاری تفاوت‌ها و تعارضاتی باهم دارند که به طور اجمال به آنها می‌پردازیم.

#### ۱. منابع ادله احکام فقهی

منابع و مأخذی که صاحب‌نظران مسائل اسلامی و کارشناسان علوم دینی یعنی فقها و مجتهدین جامع‌الشرایط، احکام و قوانین الهی را از آن استنباط و استخراج می‌نمایند عبارت‌اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل.

اما توضیح هر یک به طور اختصار این چنین است:

**یکم) کتاب**

کتاب اولین و مهم‌ترین وسیله فهم و استنباط احکام الهی است: نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ  
تَبَيِّنَاتًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ؛ این کتاب را بر تو نازل کردیم که  
بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا]  
است. (نحل: ۸۹)

به طور نمونه فقها و مجتهدین از آیه زیر حکم خمس را استخراج می‌نمایند:  
وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ  
وَإِنَّ السَّبِيلَ... (انفال: ۴۱)

و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به‌عنوان  
غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک‌پنجم آن برای خدا و رسول  
خدا ﷺ و خویشان پیامبر و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است ...

**دوم) سنت**

سنت در لغت یعنی راه، روش، طریقه و آیین و در اصطلاح فقهی به معنی قول،  
فعل و تقریر معصوم ﷺ است. (موگهی)

**سوم) اجماع**

یکی از معانی اجماع در لغت اتفاق نظر یک گروه معین است، ولی در اصطلاح فقه  
شیعه اجماع عبارت است از: اتفاق نظر فقهای شیعه در یک عصر بر یکی از احکام  
شرعی که فاقد دلیلی آشکار و معتبر است به‌گونه‌ای که بتواند کاشف از رأی و نظریه  
معصوم ﷺ باشد.

به‌طور مثال اگر معلوم شود در یک مسئله‌ای همه مسلمانان عصر پیامبر گرامی  
اسلام بدون استثنا یک نظریه داشته و یک نوع عمل می‌کرده‌اند و یا چنانچه  
همه اصحاب یکی از ائمه اطهار ﷺ که جز از حضرت دستور نمی‌گرفته‌اند در  
یک حکمی وحدت نظر داشته‌اند، دلیل بر این است که آن را از معصوم فرا  
گرفته‌اند و از این اتفاق نظر کشف و استنباط می‌شود که دستور و حکمی از سوی  
شارع مقدس در آن مورد بوده که به دست ما نرسیده است. پس از نظر شیعه  
اجماعی حجت و میزان است که به گفتار معصوم ﷺ مستند باشد. (همان: ۴)

**چهارم) عقل**

اگر برای حکمی از احکام، دلیلی از قرآن و سنت نیابیم، آنچه عقل بشری بدان  
حکم کند یا فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر داشته باشند، به‌طوری‌که حاکی از رضایت

معصوم باشد، می‌توان مطابق آن فتوا داد و وظیفه مکلفان را مشخص کرد. (مجموعه رهیافت: ۲۳)

## ۲. منابع وضع قوانین در سکولاریسم

این منابع عبارت‌اند از دموکراسی، دیدگاه نخبگان علمی به خصوص جامعه‌شناسان و اقتصاددانان و روانشناسان، سرمایه‌داران بزرگ، سیاست‌مداران که در ادامه به توضیح برخی از این موارد می‌پردازیم.

### یکم) دموکراسی

سخن از مباحثی چون دموکراسی، نقش مردم در حکومت و نظام مردمی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و هر کس به فراخور مشرب علمی خود آن را تأیید یا رد کرده است، اما در قرون متأخرین مطالب جزو محوری‌ترین مطالب نظری و حتی علمی اندیشمندان و نظام‌های سیاسی بوده است. امروزه اعتقاد به مطلوبیت دموکراسی فراگیر شده و گاهی به‌عنوان مرجع تشخیص حق و باطل نیز قرار گرفته و طرفداران این نظریه حتی حکومت موردقبول و دارای ثبات را منحصر در این نوع می‌دانند. (اکبری، رواق اندیشه، ش ۳۱)

### دوم) سیاست‌مداران

لازم است به سوء تفاهمی که در زمینه پیوند دین و سیاست در فرهنگ اسلامی وجود دارد اشاره کنیم. منشأ سوء تفاهمی که در زمینه پیوند دین و سیاست در فرهنگ اسلام وجود دارد آن است که اکثر مسلمانان در بخش زیادی از تاریخ خود تحت حکومت رژیم‌هایی به سر برده‌اند که قانون شریعت را فقط تا حدی رعایت می‌کرده‌اند و به قول حمید عنایت رعایت قانون شریعت از طرف حکومت‌های اسلامی و حاکمان آنها فقط به این علت بود که: «قدرت آنان را در چشم مؤمنان مشروع جلوه دهد». (عنایت: ۱۷-۱۶)

تقدیس حاکمان اسلامی از طرف مسلمانان تا آنجا که آنان را به «ظلّ الله» توصیف نموده‌اند به این جنبه از رفتار حکومت‌های اسلامی برمی‌گردد و الا در تاریخ اسلامی، حاکمان اسلامی نه قانوندان شریعت بودند و نه خود را صددرصد ملزم به رعایت قوانین شریعت می‌دانستند. (مجله حضور، ۱۳۸۳: ۸۴)

### نتیجه‌گیری

رویکرد فقهی به دین که حضور دین اسلام را در تمام جوانب زندگی بشر ضروری می‌داند نقطه مقابل سکولاریسم است که متقابلاً حضور همه‌جانبه دین در زندگی بشر

را نفی می‌کند. این تفاوت بارز نشان از وجود تعارض در ساختار و مبانی هر دو رویکرد است. از طرفی نفوذ رویکرد سکولاریسم در جامعه اسلامی رو به افزایش است و جامعه اسلامی را با بحران مواجه می‌کند، لذا با بررسی نوع تعارضی که میان دو رویکرد وجود دارد از قبیل تعارض و اختلاف در نوع منبع مورد استفاده در هر کدام، سعی بر شناخت محدوده اختلافات تعارضات و آشنایی با آنها بوده تا بتوان خود و جامعه خود را از گرفتار شدن در امواج این تفکر نجات داد.

### منابع و مآخذ:

قرآن کریم

- احمد پور، یاسر، <http://khobihaman.blogfa.com/post/۳۷>.
- احمد محمدی، عبدالکریم (۱۳۸۷)، *مبانی فقه*، چاپ دوم.
- اداره پاسخگویی به سئوالات دینی معاونت تبلیغات و ارتباطات آستان قدس رضوی، *مجموعه رهیافت (احکام اجتهاد، احتیاط، تقلید)*، ۱۳۹۳.
- اکبری، کمال، «*تشابه و تمایز نظام مردم‌سالاری دینی و نظام لیبرال دموکراسی*»، فصلنامه رواق اندیشه، ش ۳۱.
- باربور، ایان، *علم و دین*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی.
- بیات، عبدالرحیم (۱۳۸۱)، *فرهنگ واژه*، نشر موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- پاکین (۱۳۷۳)، *کلیات فلسفه*، ترجمه جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: انتشارات حکمت.
- سربخشی، محمد (۱۳۹۰)، *سکولاریسم دین/اخلاق*، فصلنامه معرفت اخلاقی، سال دوم، ش ۴.
- سروش، عبدالکریم، «*معنا و مبنای سکولاریسم*»، مجله کیان، ش ۲۶، ص ۶.

- عنایت، حمید(۱۳۶۵)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۲، تهران: خوارزمی.
- مبینی، محمدعلی، «عقل در قرآن»، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)
- مجله حضور(۱۳۸۳)، «تعامل دین و سیاست از منظر امام خمینی»، ش ۵۱.
- مجله صباح(۱۳۸۲)، «عقل و دین»، ش ۹ و ۱۰.
- مطهری مرتضی(۱۳۶۲)، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، قم: انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی(۱۳۷۹)، *سیری در نهج‌البلاغه*، ج ۲۲، انتشارات صدرا.
- موگهی، عبدالرحیم، مقاله منابع اجتهاد، <http://www.hawzah.net>